

## درس هفتم

### پایه‌های آوایی

تا به حال به حرکت ثانیه‌شمار ساعت‌ها دقت کرده‌اید. حرکت ثانیه‌شمار یک حرکت منظم و تکراری است و شماره‌های ۱ تا ۱۲ سنجشی است برای نام نهادن بر این حرکت تکراری و منظم. هنگام رژه رفتن نیروهای نظامی، فرمانده با شمارش اعداد از سربازان می‌خواهد کار منظمی را انجام دهند مثلاً پای خود را محکم‌تر بکوبند. وقتی فرمانده شروع به شمارش اعداد می‌کند نظمی دیده نمی‌شود ولی وقتی بر روی یک عدد مکث می‌کند و دوباره این حرکت را تکرار می‌کند نظم، احساس می‌شود. ۱، ۲، ۳ [صدای یکنواخت پا]، ۴ [صدای محکم‌تر پا] - ۱، ۲، ۳ [صدای یکنواخت پا]، ۴ [صدای محکم‌تر پا]

شاعر هم در سرودن شعر همین کار را انجام می‌دهد فقط به جای عدد از هجاهای کوتاه و بلند استفاده می‌کند.

|  |            |           |              |             |
|--|------------|-----------|--------------|-------------|
| مفاعِلن، مفاعِلن، مفاعِلن، مفاعِلن :     | _ U _ U    | _ U _ U   | _ U _ U      | _ U _ U     |
| در این سرای بی‌کسی کسی به در نمی‌زند     | نمی‌زند    | کسی به در | بی‌کسی       | در این سرا  |
| مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن :     | __ _ U     | __ _ U    | __ _ U       | __ _ U      |
| به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی  | چنان باقی  | حکایت هم  | مَد دین دفتر | به پا یا نا |
| مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن :     | _ U _ _    | _ U _ _   | _ U _ _      | _ U _ _     |
| ای عاشقان ای عاشقان پیمانه را گم کرده‌ام | گم کرده ام | پیمانه را | ای عاشقان    | ای عاشقان   |

با خواندن هر مصراع شعری می‌بینیم که شعر را می‌توان به پایه‌هایی منظم تقسیم کرد هر کدام از این پایه‌های آوایی را با در نظر گرفتن هجای کوتاه و بلندشان نام‌گذاری می‌کنیم مثلاً می‌گوییم از تکرار ( \_ \_ U ) نام رکن «مفاعیلن» به کار رفته است یا آمدن هجاهای ( \_ U \_ \_ ) رکن مستفعلن را ساخته است. به مفاعیلن یا مستفعلن **وزن واژه** یا **رکن** می‌گوییم و علامت ( \_ U \_ \_ ) را **خوشه‌های می‌نامیم**. مثال:

بنازم به بزم محبت که آنجا گدایی به شاهی مقابل نشیند

|                    |  |   |       |       |
|--------------------|--|---|-------|-------|
| پایه‌های آوایی     | بِ - نا زَم - ب - بز م - مُ - حَب - بَت - کِ - عان | گِ - دا بی - بی - شا هی - مُ - قا بِل - نِ - شی |       |       |
| وزن واژه (اسم رکن) | فعولن  | فعولن   | فعولن | فعولن |
| خوشه‌های هجایی     | - - U  | - - U   | - - U | - - U |

برای اینکه راحت بتوانیم بر روی تکرار و نظم هجاها نام بگذاریم باید با وزن واژه‌های شعر فارسی یا همان ارکان عروضی آشنا شویم برخی از این ارکان را با هم می‌بینیم.

|              |        |            |        |
|--------------|--------|------------|--------|
| فعولن        | -- U   | فاعلاتن    | -- U - |
| مفاعیلن      | --- U  | فَعَلَاتن  | -- UU  |
| مُسْتَفْعِلن | - U -- | مُفْتَعِلن | - UU - |

### تمرین:

واژه‌های مناسب با وزن و خوشه‌های آن بنویسید.

|                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| وزن واژه<br>مفاعیلن (--- U)         | وزن واژه<br>فعولن (--- U)           |
| خدایا من<br>.....<br>.....<br>..... | سَرَم را<br>.....<br>.....<br>..... |

تمرین: جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید.

| نمونه     | وزن واژه | خوشه‌های |
|-----------|----------|----------|
| عقابی     | فعولن    | -- U     |
| دیوار دل  |          |          |
| چشم مست   |          |          |
| خدایا     |          |          |
| می‌سرودم  |          |          |
| گلی بر سر |          |          |
| شعر مرا   |          |          |

تمرین: حالا بیاییم واژه‌ها را در مصراع بیاوریم. شعر بر وزن فعولن است جای خالی را پر کنید.

| وزن واژه<br>خوشه‌های | فعولن  | فعولن | فعولن | فعولن  |
|----------------------|--------|-------|-------|--------|
|                      | -- U   | -- U  | -- U  | -- U   |
|                      | دلم را | گرفتم | ندادم | به دست |
|                      | .....  | ..... | ..... | .....  |

دلم را گرفتم ندادم به دست  
..... ز چشمان مست

| وزن واژه<br>خوشه‌های | مستفعلن    | مستفعلن    | مستفعلن  | مستفعلن   |
|----------------------|------------|------------|----------|-----------|
|                      | - U --     | - U --     | - U --   | - U --    |
|                      | در کوچه‌ها | پس کوچه‌ها | با دلبری | دل می‌بری |
|                      | از ما چرا  | بی‌ما چرا  | .....    | .....     |

در کوچه‌ها پس کوچه‌ها با دلبری دل می‌بری  
از ما چرا بی‌ما چرا .....  
از ما چرا بی‌ما چرا .....

## ارکان عروضی یا وزن واژه

قبلاً با هجاهای کوتاه، بلند و کشیده آشنا شدیم. در اینجا به جای اینکه بگوییم واژه مرنجان از 

|   |     |     |
|---|-----|-----|
| م | رَن | جَا |
| U | -   | -   |

 تشکیل شده است می‌خواهیم معادلی برایش پیدا کنیم مثلاً می‌گوییم: مرنجان معادل است با واژه (دَم دَم)، (U - -) یا (تَن تَن تَن). دقت کرده‌اید گاهی پیش می‌آید که در حال زمزمه آهنگی هستید و ممکن است قسمتی از آن را فراموش کرده باشید و بدون اینکه زمزمه خود را قطع کنید قسمت فراموش شده را با معادل آهنگین آن، زیر لب زمزمه می‌کنید بدون آنکه گوش شما حس غریبی داشته باشد.

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی ز بامی کد برخاست مشکل نشیند

و شما به جای مصراع دوم که فراموش کرده‌اید می‌گویید: ( دَم دَم دَم دَم دَم دَم ) نشیند با مقایسه آنچه شما زمزمه کردید و آنچه فراموش کرده‌اید خواهید دید شما از نظر کوتاه و بلندی هجاها اشتباهی نکرده‌اید. فقط به جای واژه، معادل آن را به کار برده‌اید و این دقیقاً کاری است که یک شاعر به صورت آگاهانه در ساختن و سرودن شعر اجرا می‌کند و در علم عروض، می‌گویند شاعر این شعر را در وزن (دَم دَم ، دَم دَم ، دَم دَم ، دَم دَم ) سروده است و چون عروض فارسی از عروض عرب تأثیر پذیرفته است و عرب‌ها در عروض همه کلمات را با «فعل» (ف، ع، ل) می‌سنجند، عروض دانان فارسی زبان نیز، معادل‌سازی اوزان شعری را در زبان فارسی با حروف «فعل» نشان می‌دهند. و به جای **دَم دَم** می‌گویند: **ف عو لن**.

مهم‌ترین ارکانی که با آنها آشنا می‌شویم:

- ۱- فاعلاتن : - - U (دَم دَم دَم)
- ۲- فاعلن : - U (دَم دَم)
- ۳- مفاعیلن : U - - - (دَم دَم دَم)
- ۴- فعولن : U - - (دَم دَم)
- ۵- مُستَفعلُن : - - - U (دَم دَم دَم)
- ۶- فَعَلَاتُن : U U - - (دَم دَم دَم)
- ۷- فَعْلُن : U U - (دَم دَم)
- ۸- مُفْتَعِلُن : - - U U (دَم دَم دَم)
- ۹- مفاعِلُن : U - U (دَم دَم دَم)
- ۱۰- فاعلاتُ : - - U (دَم دَم دَم)
- ۱۱- مفاعیلُ : U - - U (دَم دَم دَم)
- ۱۲- مُسْتَفْعُلُ : - - U U (دَم دَم دَم)
- ۱۳- مفعولُ : - - U (دَم دَم دَم)

تمرین شنیداری: شعر با وزن مفاعیلن را بیابید.

### مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

| ص | غ  |
|---|--|
| ✓ | مرا می بینی و هر دم زیادت می کنی دردم    |
| ✓ | قدح چون دور من باشد به هشیاران مجلس ده   |
| ✓ | سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی         |
| ✓ | من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی حاصل    |
| ✓ | نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی        |
| ✓ | به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی |

پس از این، با اوزان پر کاربرد که از ارکان همسان تشکیل شده اند آشنا می شویم.

### ۱- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

|      |      |      |      |
|------|------|------|------|
| --U- | --U- | --U- | --U- |
|------|------|------|------|

هر که محرابش تو باشی سر ز خلوت برنیارد

هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد

مرحله نخست:

|    |   |     |    |    |    |    |    |    |   |    |    |    |   |    |    |
|----|---|-----|----|----|----|----|----|----|---|----|----|----|---|----|----|
| هر | ک | چی  | زی | دو | ست | دا | زد | جا | ن | دل | بر | وی | گ | ما | زد |
| فا | ع | لا  | تن | فا | ع  | لا | تن | فا | ع | لا | تن | فا | ع | لا | تن |
| هر | ک | میخ | را | بش | ت  | با | شی | سر | ز | خل | وت | بر | ن | یا | رد |
| فا | ع | لا  | تن | فا | ع  | لا | تن | فا | ع | لا | تن | فا | ع | لا | تن |

مرحله دوم:

|           |           |           |          |
|-----------|-----------|-----------|----------|
| هر ک چیزی | دوست دارد | جان دل بر | وی گمارد |
| فاعلاتن   | فاعلاتن   | فاعلاتن   | فاعلاتن  |
| هر ک محرا | بش ت باشی | سر ز خلوت | بر نیارد |
| فاعلاتن   | فاعلاتن   | فاعلاتن   | فاعلاتن  |

مرحله پایانی:

|  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| هر ک چیزی دوست دارد جان دل بر وی گمارد | هر ک محرابش ت باشی سر ز خلوت بر نیارد |
| فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن        | فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن       |

گوش کنید:

روز پیری ای عجب جز بی سرانجامی ندیدم

تا جوان بودم ز هستی غیر ناکامی ندیدم

این بیت را تقطیع کنید:

اندر این فتنه خموشم تو برو می باش صادق

گر بگویم ور خموشم ور بجوشم ور نجوشم

مرحله نخست:

|       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |    |    |    |       |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|----|----|----|-------|
| شم    | جو    | ن     | ور    | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ب  | گو | یم | گر    |
| ..... | ..... | ..... | ..... | تن    | لا    | ع     | فا    | تن    | لا    | ع     | فا    | تن    | لا    | ع  | فا | تن | ..... |
| ..... | ..... | ..... | ..... | می    | رُو   | ب     | ت     | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | فت | ری | د  | عَن   |
| تن    | لا    | ع     | فا    | تن    | لا    | ع     | فا    | تن    | لا    | ع     | فا    | تن    | لا    | ع  | فا | تن | ..... |

مرحله دوم:

|           |         |          |          |
|-----------|---------|----------|----------|
| .....     | .....   | .....    | گر بگویم |
| فاعلاتن   | فاعلاتن | فاعلاتن  | .....    |
| باشِ صادق | .....   | نه خموشم | .....    |
| .....     | فاعلاتن | .....    | فاعلاتن  |

مرحله پایانی:

|                                 |       |
|---------------------------------|-------|
| .....                           | ..... |
| فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن | ..... |

تقطیع کامل شعر با در نظر گرفتن اختیارات شاعری (-U/--U/--U/--U)

مگذر از من ای که در راه تو از هستی گذشتم با خیال چشم مستت از می و مستی گذشتم

|     |     |   |    |     |     |   |   |    |    |   |    |     |     |   |     |
|-----|-----|---|----|-----|-----|---|---|----|----|---|----|-----|-----|---|-----|
| مَم | دَش | گ | تی | هَس | عَز | ت | ه | را | در | ک | ءِ | مَن | رَز | ذ | مَگ |
| -   | -   | U | -  | -   | -   | U | U | -  | -  | U | -  | -   | -   | U | -   |

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

|     |     |   |    |     |    |   |     |   |     |   |    |   |    |   |    |
|-----|-----|---|----|-----|----|---|-----|---|-----|---|----|---|----|---|----|
| مَم | دَش | گ | تی | مَس | ءِ | م | عَز | ت | مَس | م | چش | ل | یا | خ | با |
| -   | -   | U | -  | -   | U  | U | -   | - | -   | U | -  | U | -  | U | -  |

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

دامن گلچین پر از گل بود از باغ حضورت من چو باد صبح از آن جا با تهی دستی گذشتم

|     |    |   |   |    |     |   |    |       |     |   |     |       |   |   |    |
|-----|----|---|---|----|-----|---|----|-------|-----|---|-----|-------|---|---|----|
| رَت | ضو | خ | غ | با | عَز | د | بو | مَگَل | رَز | پ | چین | مَگَل | ن | م | دا |
| -   | -  | U | U | -  | -   | U | -  | -     | -   | U | -   | -     | U | U | -  |

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

حذف همزه

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

|     |     |   |    |     |    |   |    |    |     |   |     |   |    |   |     |
|-----|-----|---|----|-----|----|---|----|----|-----|---|-----|---|----|---|-----|
| مَم | دَش | گ | تی | دَس | هی | ت | با | جا | زان | خ | صَب | د | با | چ | مَن |
| -   | -   | U | -  | -   | -  | U | -  | -  | -   | U | -   | U | -  | U | -   |

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

تمرین شنیداری: پاسخ تصویری این تمرین را در رمزینه ببینید.



## فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

ص غ

|  |   |   |
|--|---|---|
|  |   | ۱ راحت جان است رفتن با دلارامی به صحرا    |
|  |   | ۲ بگذری در کوی یارم تا کنی حال دلم را     |
|  |   | ۳ ماهرویا! روی خوب از من متاب             |
|  |   | ۴ گر مطیع خدمتت را کفر فرمایی بگوید       |
|  |   | ۵ گر دلی داری به دلبندی بده               |
|  |   | ۶ روزی اندر خاکت افتم و به بادم می‌رود سر |
|  | عین درمان است گفتن درد دل با غمگساری      |   |
|  | همچنان کز من شنیدی پیش آن دلبر روایت      |   |
|  | بی خطا کشتن چه می‌بینی ثواب               |   |
|  | و حریف مجلس را زهر فرمایی بنوشد           |   |
|  | ضایع آن کشور که سلطانش نیست               |   |
|  | کان که در پای تو میرد جان به شیرینی سپارد |   |

## درس یازدهم

### اوزان همسان دولختی

#### اوزان دوری

در تقسیم‌بندی واحدهای موسیقایی یا وزن واژه، گاهی پایه‌های همسان به کار می‌رود و گاه پایه‌ها همسان نیستند. بر این اساس، آرایش پایه‌های شعری را می‌توان به گونه‌های زیر نشان داد:

**الف:** همسان تک‌پایه‌ای که از یک رکن ساخته شده‌اند:

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا: فعولن فعولن فعولن

**ب:** همسان دو لختی یا **اوزان دوری** که از دو رکن ساخته شده‌اند.

مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن یا: مفتعلن مفاعیلن، مفتعلن مفاعیلن

وزن دوری، وزنی است که هر مصراع آن از دو قسمت مساوی تشکیل شده است و قسمت دوم هر مصراع، دقیقاً تکرار قسمت اول همان مصراع است.

در وزن دوری هر نیم‌مصراع در حکم یک مصراع است. پس وزن یک مصراع دوری، تکرار چهار بار از یک نیم‌مصراع است.

نکته‌ی مهم این که نیم‌مصراع‌های تکرار شده خود از دو رکن متفاوت هستند. به زبان ساده‌تر وزن دوری به این شکل است:

|           |   |     |   |
|-----------|---|-----|---|
| الف       | ب | الف | ب |
| مصراع دوم |   |     |   |

|            |   |     |   |
|------------|---|-----|---|
| الف        | ب | الف | ب |
| مصراع نخست |   |     |   |

و شعر به این شکل وزن دوری محسوب نمی‌شود.

|       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|
| الف   | الف   | الف   | الف   |
| فعولن | فعولن | فعولن | فعولن |

|       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|
| الف   | الف   | الف   | الف   |
| فعولن | فعولن | فعولن | فعولن |



**نکته:** در وزن دوری حتماً باید بین دو رکن کمی مکث کنیم تا متوجه بشویم وزن دوری است که این مکث، باعث درست خواندن شعر می‌شود.

## پرکاربردترین اوزان دوری:

|   |         |          |         |         |      |
|---|---------|----------|---------|---------|------|
| (- U - / - U U - / ، / - U - / - U U -) | فاعِلُن | مفَعَلُن | فاعِلن  | مفَعَلن | الف: |
| (--- U / U --- / ، / --- U / U ---)     | مفاعِلن | مفعولُ   | مفاعِلن | مفعولُ  | ب:   |
| (-- U - / U -- / ، / -- U - / U --)     | فاعلاتن | مفعولُ   | فاعلاتن | مفعولُ  | پ:   |
| (-U-U / -U-U- / ، / -U-U / -U-U-)       | مفاعِلن | مفَعَلن  | مفاعِلن | مفَعَلن | ت:   |

## ۱۴- مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن = مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن

|     |     |     |     |
|-----|-----|-----|-----|
| U-- | U-- | U-- | U-- |
|-----|-----|-----|-----|

یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم      زان دو لب شیرینت صد شور برانگیزم

مرحله نخست:

|     |    |   |   |    |    |    |    |    |   |   |     |    |    |
|-----|----|---|---|----|----|----|----|----|---|---|-----|----|----|
| یک  | رو | ز | ب | شی | دا | یی | در | زل | ف | ت | ا   | وی | زم |
| مف  | عو | ل | م | فا | عی | لن | مف | عو | ل | م | فا  | عی | لن |
| زان | د  | ل | ب | شی | ری | نت | صد | شو | ر | ب | رَن | گی | زم |
| مف  | عو | ل | م | فا | عی | لن | مف | عو | ل | م | فا  | عی | لن |

مرحله دوم:

|         |           |         |          |
|---------|-----------|---------|----------|
| یک روز  | بِ شیدایی | در زلفِ | تو آویزم |
| مفعولُ  | مفاعیلن   | مفعولُ  | مفاعیلن  |
| زان دَل | بِ شیرینت | صد شورِ | برانگیزم |
| مفعولُ  | مفاعیلن   | مفعولُ  | مفاعیلن  |

مرحله پایانی:

|                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| یک روز بِ شیدایی در زلفِ تو آویزم | زان دَل ب شیرینت صد شورِ برانگیزم |
| مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن     | مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن     |

گوش کنید:

دائم گل این بستان شاداب نمی ماند      دریاب ضعیفان را در وقت توانایی  
این بیت را تقطیع کنید:  
زهدت به چه کار آید گر رانده درگاهی      کفرت به چه کار آید گر نیک سرانجامی

مرحله نخست:

|       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| زه    | دت    | ب     | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ی     | در    | گا    | هی    |
| ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... |
| ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... |
| ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... |

مرحله دوم:

|         |        |            |         |
|---------|--------|------------|---------|
| .....   | .....  | چه کار اید | .....   |
| مفاعیلن | .....  | .....      | .....   |
| .....   | .....  | .....      | کفرت بـ |
| .....   | مفعولُ | .....      | .....   |

مرحله پایانی:

|       |                             |
|-------|-----------------------------|
| ..... | .....                       |
| ..... | مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن |

تقطیع کامل شعر با در نظر گرفتن اختیارات شاعری (---U/U--/--U/U---)

چندین شب و خاموشی وقت است که برخیزم      وین آتش خندان را با صبح برانگیزم

|     |      |    |    |     |     |     |     |      |    |    |     |     |     |
|-----|------|----|----|-----|-----|-----|-----|------|----|----|-----|-----|-----|
| چَن | دِیْ | شَ | بُ | خَا | مُو | شِی | وَق | تَسَ | تِ | کِ | بَر | خِی | زَم |
| -   | -    | U  | U  | -   | -   | -   | -   | -    | U  | U  | -   | -   | -   |

حذف همزه

|      |    |    |    |     |     |     |     |     |    |    |     |     |     |
|------|----|----|----|-----|-----|-----|-----|-----|----|----|-----|-----|-----|
| وِیْ | ءِ | تِ | شِ | خَن | دَا | رَا | بَا | صُب | حِ | بَ | رَن | گِی | زَم |
| -    | -  | U  | U  | -   | -   | -   | -   | -   | U  | U  | -   | -   | -   |

حذف همزه

گر سوختنم باید افروختنم باید      ای عشق بزن در من کز شعله نپرهیزم

|     |     |    |    |     |     |     |     |     |    |    |     |     |     |
|-----|-----|----|----|-----|-----|-----|-----|-----|----|----|-----|-----|-----|
| گَر | سُو | خَ | تَ | نَم | بَا | یَد | ءَف | رُو | خِ | تَ | نَم | بَا | یَد |
| -   | -   | U  | U  | -   | -   | -   | -   | -   | U  | U  | -   | -   | -   |

|     |     |    |    |     |     |     |     |     |    |    |     |     |     |
|-----|-----|----|----|-----|-----|-----|-----|-----|----|----|-----|-----|-----|
| ءِی | عِش | قِ | بِ | زَن | دَر | مَن | کَز | شُع | لِ | نَ | پَر | هَی | زَم |
| -   | -   | U  | U  | -   | -   | -   | -   | -   | U  | U  | -   | -   | -   |

حذف همزه



تمرین شنیداری: پاسخ تصویری این تمرین را در رمزینه ببینید.



### مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

ص غ

|  |  |                                     |  |   |
|--|--|-------------------------------------|--|---|
|  |  | آن خوبی و ناز آمد تا داغ نهد ما را  | باز آمد و باز آمد آن عمر دراز آمد      | ۱ |
|  |  | درکش قدحی با من بگذار ملامت را      | ای خوش دل و خوش دامن دیوانه تویی یا من | ۲ |
|  |  | کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا  | معشوقه به سامان شد، تا باد چنین بادا   | ۳ |
|  |  | تا بود چنین بودی تا باد چنان بادا   | شاد آمدی ای مه رو! ای شادی جان شاد آ   | ۴ |
|  |  | عاشق شده‌ام، عشق که کتمان‌شدنی نیست | بیهوده چرا فکر دو چشمان تو باشم        | ۵ |
|  |  | افسوس که در دست تو دست چمدان است    | رویای من این بود که همراه تو باشم      | ۶ |

### ۲۴- مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن = مستفیل مستفیل مستفیل مستفیل

|     |      |      |     |
|-----|------|------|-----|
| --U | U--U | U--U | U-- |
|-----|------|------|-----|

یارا قدحی پر کن از آن داروی مستی      تا از سر صوفی برود علّت هستی

مرحله‌ی نخست:

|    |    |   |   |    |    |   |   |    |    |   |   |    |    |
|----|----|---|---|----|----|---|---|----|----|---|---|----|----|
| یا | را | ق | د | حی | پر | ک | ن | ز  | دا | ر | ی | مس | تی |
| -  | -  | U | U | -  | -  | U | U | -  | -  | U | U | -  | -  |
| مف | عو | ل | م | فا | عی | ل | م | فا | عی | ل | ف | عو | لن |
| تا | عز | س | ر | صو | فی | ب | ر | ود | عل | ل | ت | هس | تی |
| -  | -  | U | U | -  | -  | U | U | -  | -  | U | U | -  | -  |
| مف | عو | ل | م | فا | عی | ل | م | فا | عی | ل | ف | عو | لن |

مرحله‌ی دوم:

|         |          |          |        |
|---------|----------|----------|--------|
| یارا ق  | دحی پر ک | ن ز دا ر | ی مستی |
| U --    | مفاعیل   | مفاعیل   | فعولن  |
| تا عز س | ر صوفی ب | رود عل   | ت هستی |
| مفعول   | مفاعیل   | مفاعیل   | فعولن  |

مرحله‌ی پایانی:

|                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| یار قدحی پر کن ز داروی مستی | تا از سر صوفی برود علّت هستی |
| مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن   | مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن    |

گوش کنید:

بر من که صبحی زدهام خرجه حرام است  
 این بیت را تقطیع کنید.  
 گو خلق بدانند که من عاشق و مستم  
 آوازه درست است که من توبه شکستم

مرحله ی نخست:

|       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |       |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | د     | ند    | دا    | بِ    | قِ    | خَل   | گو    |
| لُن   | عَو   | فَ    | لُ    | عِی   | فَا   | مَ    | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | لُ    | عَو   | مَف   |
| ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... |
| تَم   | کَس   | شِ    | بِ    | تُو   | مِن   | کَ    | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... |
| لُن   | عَو   | فَ    | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... | ..... |

مرحله ی دوم:

|        |            |           |         |
|--------|------------|-----------|---------|
| .....  | ک من عا شد | .....     | گو خلقی |
| فَعولن | .....      | مَفَاعیل  | مَفْعول |
| .....  | ک من تو بِ | دُرُسْتست | .....   |
| فَعولن | .....      | .....     | مَفْعول |

مرحله ی پایانی:

|       |                                |
|-------|--------------------------------|
| ..... | گو خلق بدانند که من عاشقُ مستم |
| ..... | .....                          |
| ..... | مفعول مفاعیل                   |

تقطیع کامل شعر با در نظر گرفتن اختیارات شاعری (U/U--U/U--U/U--)

شب این سرگیسوی ندارد که تو داری  
 آغوش گل این بوی ندارد که تو داری

|     |    |    |    |     |     |    |    |     |     |    |    |     |     |
|-----|----|----|----|-----|-----|----|----|-----|-----|----|----|-----|-----|
| شَب | ءِ | سَ | رِ | گِی | سَو | یِ | نَ | دَا | رَد | کِ | تْ | دَا | رِی |
| -   | -  | U  | U  | -   | -   | U  | U  | -   | -   | U  | U  | -   | -   |

|     |     |    |    |     |     |    |    |     |     |    |    |     |     |
|-----|-----|----|----|-----|-----|----|----|-----|-----|----|----|-----|-----|
| ءَا | غَو | شِ | گُ | لِی | بَو | یِ | نَ | دَا | رَد | کِ | تْ | دَا | رِی |
| -   | -   | U  | U  | -   | -   | U  | U  | -   | -   | U  | U  | -   | -   |



حذف همزه

نرگس که فریید دل صاحبظران را این چشم سخن گوی ندارد که تو داری

|     |      |     |     |     |      |     |     |     |      |     |     |     |     |
|-----|------|-----|-----|-----|------|-----|-----|-----|------|-----|-----|-----|-----|
| نَـ | گِـس | کِـ | فَـ | رِـ | بَـد | دِـ | لِـ | صَا | حِـب | نَـ | ظَـ | رَا | رَا |
| -   | -    | U   | U   | -   | -    | U   | U   | -   | -    | U   | U   | -   | -   |

|     |      |     |     |      |      |     |     |     |      |     |     |     |     |
|-----|------|-----|-----|------|------|-----|-----|-----|------|-----|-----|-----|-----|
| ءِـ | چَـش | مِـ | سُـ | خَـن | گُـو | یِـ | نَـ | دَا | زَـد | کِـ | تَـ | دَا | رِـ |
| -   | -    | U   | U   | -    | -    | U   | U   | -   | -    | U   | U   | -   | -   |

بلند تلفظ کردن هجای کوتاه

تمرین شنیداری: پاسخ تصویری این تمرین را در رمزینه ببینید.



### مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

ص غ

|  |   |   |
|--|---|---|
|  | سوز دل صد پاره که در نامه نوشتیم        | ۱ |
|  | ترسم که تو از مهر من آزاد کنی دل        | ۲ |
|  | کی شعر تر انگیزد، خاطر که حزین باشد     | ۳ |
|  | خیزید و خز آرید که هنگام خزان است       | ۴ |
|  | من مست و تو دیوانه، ما را که بَرَد خانه | ۵ |
|  | خواهد به سر آید شب هجران تو یا نه       | ۶ |
|  | بیهوده چرا فکر دو چشمان تو باشم         | ۷ |
|  | رویای من این بود که همراه تو باشم       | ۸ |
|  | در یار اثر کرده که ناخوانده دریده‌ست    |   |
|  | وز مهر تو هرگز نشود جان من آزاد         |   |
|  | یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد   |   |
|  | باد خنک از جانب خوارزم وزان است         |   |
|  | من چند تو را گفتم کم خور دو سه پیمانہ   |   |
|  | ای تیر غمت را دل عشاق نشانه             |   |
|  | عاشق شده‌ام، عشق که کتمان شدنی نیست     |   |
|  | افسوس که در دست تو دست چمدان است        |   |